

1398/03/08

## بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاهها

در بیست و سومین روز از ماه مبارک رمضان (۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقیة الله فی الارضین.

خیلی خوش‌آمدید. حقیقتاً مجلس بسیار مغتنمی است، این جمع عظیم استادان، دانشمندان، متخصصان، کارشناسان بخشهای مختلف -چه برادران، چه خواهران- یک نعمت بزرگ الهی است برای کشور، و بنده خدا را شاکرم که این توفیق را امسال هم به ما عنایت کرد که بتوانیم در خدمت شماها باشیم.

کار بزرگی بر دوش استادان دانشگاهها و اعضای هیئت عملی دانشگاهها است که حقیقتاً با کمتر شأنی و جایگاهی در کشور قابل مقایسه است. اگر با دقت به جایگاه استاد دانشگاه و تربیت‌کننده دانشجو و جوان توجه بشود، براحتی قابل قبول است که این جایگاه حقاً و انصافاً یک جایگاه کم‌نظیری است؛ حالا نمی‌گوییم منحصر به فرد اما واقعاً کم‌نظیر است. و همین جایگاه حساس موجب این است، یعنی اقتضا میکند که هم خود اساتید محترم، هم دستگاه‌های مدیریت آموزش عالی در این زمینه با دقت بیشتر، با مراقبت بیشتر حرکت کنند و اقدام کنند و تصمیم بگیرند.

سخنرانی‌هایی که انجام گرفت بسیار خوب بود، موضوعات متنوعی مطرح شد؛ بنده شخصاً به معنای واقعی کلمه استفاده کردم. بعضی چیزها را انسان ممکن است بداند، اما شنیدن آن از دیگران در نشان دادن اهمیت موضوع به انسان نقش ایفا میکند. ما خیلی از مطالبی را که شما فرمودید، شاید اول‌بار شنیدیم، استفاده کردیم؛ هم برادران خوب صحبت کردند و هم این دو خواهر محترمی که صحبت کردند، بسیار خوب صحبت کردند. من سرفصل‌ها را یادداشت کردم، موضوعات را هم ان‌شاءالله دفتر ما طبق معمول دنبال میکنند؛ آن کارهایی که به عهده‌ی ما است ان‌شاءالله انجام می‌دهیم، آن کارهایی هم که بایستی ارجاع بشود به دستگاهها، ارجاع میکنند. آنچه من می‌خواهم عرض بکنم، یک بخش از صحبت مربوط به دانشگاه است، و اگر وقتی باقی ماند، یک بخش هم درباره‌ی مسائل بین‌المللی دایر در این روزها چند جمله‌ای عرض میکنیم؛ لکن عمده‌ی نظرم به این بخش اول است.

خب، پیشرفتهای دانشگاهی به معنای واقعی کلمه چشمگیر است؛ این را ناپیوستی مورد غفلت قرار داد. اینکه من تأکید میکنم روی این قضیه، به خاطر جریان‌ی است که راه افتاده، نه فقط در ایران [بلکه] در دنیا، برای کوچک کردن، سبک کردن و بی‌ارزش نشان دادن حرکت عظیم علمی کشور؛ الان در دنیا دارد روی این کار میشود؛ پول خرج میکنند، برنامه‌ریزی میکنند؛ یک نمونه‌اش این برنامه‌ی ۲۰۴۰ دانشگاه استنفورد است (۲) -که لایده شماها مطلعید یا مطلع میشوید- درباره‌ی ایران در ۲۰۴۰، [سال] ۲۰۴۰ و زیر سؤال بردن پیشرفتهای علمی کشور و کارهای مهم دانشگاهی کشور؛ که در اینجا هم کسانی هستند که با آنها هم‌صدایی میکنند، برای گل زدن آنها بهشان پاس میدهند؛ اینجا هم از این کارها انجام می‌گیرد.

بنده اصرار دارم تأکید کنم که به هیچ وجه این حرکت مرگ‌ب از خیانت و خیانت، درست نیست؛ دانشگاه به معنای واقعی کلمه پیشرفتهای زیادی داشته، کار بزرگی شده در کشور. حالا اگر بخواهیم با دانشگاه قبل از انقلاب مقایسه کنیم که اصلاً زمین تا آسمان فاصله است؛ دانشگاه پیش از انقلاب، دانشگاه بود منتها ضعیف، بی‌اثر در مسائل دنیا، در حوزه‌ی علم در بین‌الملل و بی‌نام و نشان، محتاج و وابسته‌ی به دیگران -که [برای] خدمات آموزشی و علمی بایستی خیلی اوقات از خارجی‌ها، از غربی‌ها استفاده میشد- آنکه اصلاً قابل ذکر نیست؛ لکن حتی دانشگاه امروز با دانشگاه ۲۰ سال قبل و ۲۵ سال قبل و ۳۰ سال قبل هم تفاوت‌های چشمگیری دارد؛ امروز دانشگاه به معنای واقعی کلمه پیشرفت کرده. به اذعان مراکز رتبه‌بندی بین‌المللی جهانی، تعداد زیاد و قابل توجهی از دانشگاه‌های ما جزو دانشگاه‌های برجسته‌ی دنیا محسوب میشوند. ما امروز چهارده میلیون دانش‌آموخته‌ی دانشگاه‌ها داریم در کشور؛ چهارده میلیون رقم خیلی بالایی است! همین الان پنج درصد بلکه اندکی بیشتر از پنج درصد کل جمعیت کشور، دانشجو داریم که در دانشگاه‌ها مشغول تحصیلند؛ رقم بالایی است.

حالا متهم میکنند -نمیدانم حالا شما این خبرها را [دارید یا نه؟] لاید در جریان قرار می‌گیرید- هم محصولات علمی ما را، [هم تحصیل‌کردگان ما را]. مثلاً فلان مقاله‌نویس مزدبگیر سعودی برمی‌دارد راجع به محصولات دفاعی پیشرفته‌ی ما که آدمهای عاقل دنیا را می‌ترساند، مقاله مینویسد و میگوید اینها چیزی نیست، اینها مال دیگران است، مال ایران نیست، مال خودشان نیست! اصلاً نمی‌شناسند. حالا او که آن [چور می‌گوید]، آن مقاله‌نویس خارجی هم -آمریکایی یا اروپایی- به کمک افراد خائن ایرانی، متهم میکند این فشر عظیم تحصیل‌کرده‌ی دانشگاه را، این مجموعه‌ی عظیم اساتید امروز دانشگاه را به کم‌عمقی و کم‌سوادی! اگر اینها کم‌عمقند، پس غنی‌سازی بیست درصد اورانیوم را چه کسی در این کشور درست کرد؟ پیشرفت در دانش نانو را چه کسی دارد در کشور دنبال میکند؟ پیشرفت در همین سلول‌های بنیادی را که ایشان ذکر کردند، چه کسی دارد در کشور پیش میبرد؟ اینها همه، چشمها را خیره

می‌کند؛ البته چشم‌های آدم‌های وارد و مطلع و چیزفهم را. بنابراین دانشگاه بحمدالله کار بزرگی را انجام داده و حتی همین کسانی هم که با ظاهر غیر سیاسی و باطن سیاسی راجع به مسائل علمی کشور حرف می‌زنند، در خلال گزارششان ناگزیر اعتراف می‌کنند به پیشرفتهای علمی کشور. بنابراین این یک حقیقتی است که وجود دارد و ما بر اساس این حقیقت باید فکر کنیم، کار کنیم، برنامه‌ریزی کنیم.

این نکته هم قابل توجه است که یکی از دوستانی که صحبت کردند، اشاره کردند که تولید دانشگاه، مهندسی دانشگاه در کشور در آغاز پیدایشش، یک مهندسی برای وابسته کردن کشور بود، نه برای استقلال کشور؛ اصلاً از اوّل این جوری دانشگاه تولید شد؛ با همان منطق تقی‌زاده‌ای که «ایرانی باید سر تا پا غربی بشود»؛ دانشگاه با این نگاه، با این دید در کشور ایجاد شد. حالا همان دانشگاه است که دارد پرچم استقلال علمی و پیشرفت مستقل علمی را به اهتزاز درمی‌آورد؛ همان دانشگاه است. این خیلی حقیقت مهمی است. خوب، این حالا راجع به اینکه دانشگاه بحمدالله از این جهت پیشرفت کرده.

البته این را هم عرض بکنم که این پیشرفت دانشگاه در این وضعی که توصیف کردیم، در حالی اتفاق افتاده که مزاحمتهای زیادی هم وجود داشته، یعنی پیشرفت علمی و تربیت علمی جوانان دانشجو در بخشهای مختلف در حالی اتفاق افتاده که مزاحمهایی هم وجود داشته؛ یعنی کسانی بوده‌اند در داخل دانشگاه خودمان -مثلاً بعضاً استادهایی دیده شده‌اند- که دانشجو را تشویق می‌کردند به اینکه درس خواندن را در اینجا ادامه ندهد و بگذارد برود؛ یا آن تحصیل‌کرده و دانش‌آموخته‌ی در خارج از کشور را که رفته درس خوانده، خودش را تقویت کرده، حالا آمده و مایل است در کشور بماند و خدمت کند و فایده بدهد به کشور، مقرراتی و آدم‌هایی و مجریانی وجود داشته‌اند که با این آدم رفتاری کرده‌اند که از آمدن پشیمان شده. این مطالبی که عرض می‌کنم مواردی است که بنده مثالها و نمونه‌هایش را خودم می‌شناسم. جوان دانش‌آموخته‌ی برجسته‌ی نخبه در فلان کشور پیشرفته‌ی دنیا یا فلان دانشگاه‌ها تحصیل کرده، حالا برگشته؛ گاهی اوقات جوری با او رفتار میشود یا مقرراتی جلوی پای او قرار می‌گیرد که واقعاً او را از برگشتن پشیمان می‌کند؛ در عین حال با این موانع است که دانشگاه ما بحمدالله این پیشرفتهای را کرده.

خب، تمجید بحق از دانشگاه و احساس سرافرازی به خاطر دانشگاه به معنای این نیست که ما به این حد از پیشرفت قانعیم، و به معنای این هم نیست که در دانشگاه کنونی ما عیب و نقص و مشکلی وجود ندارد؛ نه، ما تمجید می‌کنیم، ستایش می‌کنیم، به این دانشگاه افتخار هم می‌کنیم اما در عین حال اصرار می‌کنیم بر اینکه این حد از پیشرفت، به هیچ وجه ایران و ملت ایران و جامعه‌ی ایرانی را در جایگاه شایسته‌ی علمی خودش در دنیا نمی‌نشانند؛ ما هنوز عقیم، بنده بارها این را گفته‌ام. (۳) کشور ما در یک برهه‌ی تاریخی بسیار تلخی، بر اثر سوء رفتار سیاستمداران و مدیران کشور، حسابی از قافله‌ی علم عقب افتاد؛ ما آن را داریم جبران می‌کنیم. ما تا وقتی که برسیم به آن نقطه‌ای که باید رسید، هنوز فاصله‌ی زیادی داریم، (که من حالا در ادامه‌ی صحبتها مواردی را که یادداشت کرده‌ام، شاید ان‌شاءالله پادم آمد عرض کردم) ما در جای شایسته‌ی خود در میدان علم نیستیم؛ ما در این «گام دوم» باید به نقطه‌ی اوج برسیم. یکی از دوستان الان گفتند «کشور از لحاظ علمی پیشرفت نمی‌خواهد، جهش می‌خواهد»؛ درست است، احتیاج داریم به جهش و این البته کاملاً ممکن است، یعنی یک خواسته‌ی دست‌نیافتنی نیست. البته پُررنج است، رنج دارد، زحمت دارد لکن شیرین است، رنج شیرینی [است]؛ این در این زمینه.

در زمینه‌ی نقایص و مشکلات هم بله، محیط‌های دانشگاهی ما دچار مشکلاتی است؛ هم در زمینه‌ی علم، هم در زمینه‌ی فرهنگ و تربیت و هم نوع مدیریتهای مشکلاتی دارد، که خوب خود شما همه دانشگاهی هستید و چند نفر از دوستانی که صحبت کردند، نسبت به همین قضیه‌ی مشکلات، تذکرات درستی دادند که کاملاً آگاهانه است و نشانه‌ی نگاه از نزدیک به قضیه است.

یک مسئله، مسئله‌ی کیفیت تحصیلی است که باید حتماً پیشرفت کند. این منافات ندارد با آن حرفی که گفتم «سطح ما از لحاظ کیفیت علمی بالا است»؛ نه، الان در دانشگاه‌های ما مدرک‌هایی وجود دارد که نمیتواند حاکی از عمق علمی باشد، یعنی ارزش علمی بالایی ندارد اما ارزش رسمی و مدیریتی بالایی دارد؛ یعنی وقتی که این مدرک را کسی داشته باشد، از لحاظ رسمی، از لحاظ پیدا کردن کار و مانند اینها دارای ارزش است، در حالی که عمق علمی در این مدرک ملاحظه نشده و وجود ندارد.

دانشگاه علاوه بر وظیفه‌ای که نسبت به درون خود دارد، یک وظیفه‌ای هم درباره‌ی جامعه دارد. وظیفه‌ی درونی، همین تولید علم، پیشرفت علمی، تربیت علمی است؛ وظیفه‌ی بیرونی، اثرگذاری در مجموع جامعه است. دانشگاه نمیتواند از مسائل جامعه منفک و منزوی باشد. این یک نکته‌ی بسیار مهمی است که بنده به اساتید محترم، برادران و خواهران عرض می‌کنم: سعی کنید دانشگاه را درگیر مسائل اجتماعی کنید؛ البته خواهیم گفت که دستگاه‌های مختلف باید از دانشگاه کمک بخواهند، راهنمایی بخواهند، کار بخواهند و دانشگاه به آنها کمک کند، لکن آن، رابطه‌ی بین دستگاه‌ها و دانشگاه است، و این حرف که حالا می‌زنیم، رابطه‌ی بین مردم و دانشگاه‌ها است با مسائل جامعه.

مثلاً فرض کنید ما در مورد آسیب‌های اجتماعی جلسه تشکیل دادیم. الان شاید حدود دو سه سال است که هر چند وقت یک بار جلسات منظمی تشکیل میشود که خود بنده شرکت می‌کنم، مسئولین اصلی کشور هم شرکت می‌کنند، درباره‌ی آسیب‌های اجتماعی مثل اعتیاد، مثل طلاق، مثل حاشیه‌نشینی و از این قبیل در این جلسات بحث میشود، تصمیم‌گیری میشود، کارهای خوبی هم انجام گرفته، پیشرفتهای خوبی هم شده؛ اینها مسائل جامعه‌ی ما است. دانشگاه چه نقشی در این مسائل ایفا میکند؟

دانشگاه‌ها و بخصوص اساتید باید با [مسائل] مردم [ارتباط داشته باشند]؛ راهش چیست؟ چه جوری اساتید می‌توانند با مسائل جامعه ارتباط برقرار کنند؟ این موضوعی است که هیچ لزومی ندارد کسی از خارج دانشگاه این را معین بکند یا بنده مثلاً یک نکته‌ای در این زمینه بگویم؛ این، کار خود دانشگاه است. در خود دانشگاه، اساتید، مجموعه‌ها، گروه‌های علمی، جوامع علمی دانشگاهی بنشینند فکر کنند، ببینند نوع ارتباط اساتید با مسائل جامعه، با مشکلات جامعه چگونه باید باشد، راهش چیست. اگر این [طور] نشد و اساتید از جامعه منزوی شدند، آن وقت این خواسته که دانشگاه بتواند مشکلات جامعه را حل کند، دست‌نیافتنی خواهد شد. اساتید نباید از جامعه منزوی باشند؛ [مثل] همان بلائی که بر سر روشنفکری کشور ما آمد. جامعه‌ی روشنفکر ما از اوّل که تشکیل شد، به قول خودشان در برج عاج نشستند، با مردم مخلوط نشدند، با مردم همراه نشدند، خودشان هم این را اعتراف کردند، این را خودشان هم گفتند. من چند سال پیش در دانشگاه در بین دانشجویها این را گفتم (۴) که در آن نمایشنامه‌ای که آن شخص (۵) نوشته بود -آی باکلاه، آی بی‌کلاه- یک آقای روی ایوان هست که قضایا را میبیند، مسائل را مشاهده میکند اما هیچ اقدامی از او دیده نمیشود، مطلقاً این روشنفکر است. روشنفکر غربی از غرب منشأ گرفته، وضعیت این است، شأنش این است، شأنش همان آقای روی ایوان در آن نمایشنامه است که هیچ اقدامی نمیکند، هیچ کاری انجام نمیدهد، فقط میبیند؛ خوب میبیند، مسائل را میتواند بفهمد، بشناسد اما خطر نمیکند، وارد نمیشود، برای خودش مشکل و دردسر درست نمیکند، و فقط گاهی یک کلمه حرفی میزند. در انقلاب هم این دیده شد؛ در انقلاب اسلامی، در این حرکت عظیم مردمی، مردم در صفوف مقدّم بودند، روشنفکرها بعضاً از عقب می‌آمدند، بعضی‌ها هم اصلاً نیامدند، تا آخر هم نیامدند. نباید کاری کنیم که سرنوشت اساتید دانشگاه و مجموعه‌ی بزرگ باارزش دانشگاهی یک چنین سرنوشتی بشود؛ یعنی از مردم جدا بشوند، به مردم بی‌اعتنا بشوند، از مسائل مردم بی‌خبر بمانند.

خب حالا من چند نکته را یادداشت کرده‌ام که عرض بکنم راجع به مسائل دانشگاه. یک نکته این است که یک شرط اساسی برای پیشرفت عبارت است از امید. امروز یک جریانی در داخل کشور و خارج کشور وجود دارد برای دمیدن روح یأس به جای دمیدن روح امید -که در اوّل صحبت اشاره کردم که در خارج می‌نشینند، راجع به مسائل ایران بحث میکنند، و استنتاجشان با تحلیل‌های مغرضانه و خبرهای بعضاً دروغ -یعنی خبرهای خلاف واقع- این است که در ایران حرکت علمی پیشرفتی ندارد و امیدی هم به پیشرفت آن نیست- یأس‌آفرینی. خب موقّعتها را طبعاً نادیده میگیرند و این روی دانشجوی اثر میگذارد؛ این جریان یأس‌آفرین در ذهن دانشجو اثر میگذارد؛ وقتی او مأیوس شد، کار نمیکند. اگر چنانچه نخبه‌ای باشد -حالا تعداد اندکی این جور هستند- و توانایی داشته باشد، امکانات داشته باشد، میگذارد می‌رود خارج، به عقبش هم نگاه نمیکند. ولیکن اکثر، این امکانات را ندارند؛ [لذا] مأیوس میشوند و دنبال یک مدرک دارای ارزش رسمی ولو بدون محتوای علمی می‌افتند برای اینکه یک شغلی پیدا کنند و یک کاری پیدا کنند؛ پیشرفت علمی پیش نمی‌آید. یأس این [جور] است؛ روی دانشجو اثر میگذارد، روی استادها کمتر اثر میگذارد اما بعضاً دیده شده که روی استاد هم اثر بگذارد؛ یعنی این تبلیغات، استاد را که در واقع در وسط میدان دانشگاه ایستاده و میان‌دار مسائل دانشگاه است، از پیشرفت علمی دانشگاه مأیوس میکند؛ یأس‌آفرینی خطر بسیار بزرگی است. این را دیگرانی که [بیان] میکنند -خارجی‌ها- با حساب و کتاب میکنند؛ ببینید، مقاله نوشته‌اند و در مقاله تصریح کرده‌اند که پیشرفت علمی ایران مایه‌ی نگرانی است؛ این را صریحاً نوشتند: «پیشرفت علمی ایران مایه‌ی نگرانی است»؛ مایه‌ی نگرانی چیست؟ معلوم است؛ قدرتهای استعمارگر، قدرتهای متجاوز و سلطه‌گر که حیاتشان به سلطه‌ی بر ضعفاست، نمیتوانند ببینند که یک کشوری در یک موقعیت حساسی مثل موقعیت کشور ما، خودش را از ضعف نجات بدهد و به قوّت و قدرت برسد؛ مایه‌ی نگرانی آنها است. اینها خیلی راحت موقّعتها و پیشرفتها را ندیده میگیرند و بعضی [افراد] هم واقعاً فراموش میکنند. من از آن کسانی که یا آن استادی که به ما خبر میرسد، گزارش میرسد که مثلاً سر کلاس یا در برخورد با مجموعه‌ی دانشجویی یأس‌آور حرف میزند، واقعاً تعجب میکنم که چطور اینها موقّعتهای کشور را ندیده میگیرند! این پیشرفت عظیم علمی، این حرکت علمی‌ای که بخصوص در دو دهه‌ی اخیر -در حدود هفده هجده سال اخیر، از اوایل دهه‌ی ۸۰- در کشور به وجود آمده و سهم ایران را در تولید علم در دنیا بقدر بالا برده، و توانایی‌های عملی را جلوی چشم همه قرار داده، می‌بینند، در عین حال آن دمدمه (۶) و وسوسه‌ی یأس‌آفرین در آنها اثر میگذارد! [این] مایه‌ی تعجب است.

اینکه من عرض میکنم پیشرفت علمی، ادّعای ما نیست -البته این را ما بارها در این جلسه، در سالهای مختلف عرض کرده‌ایم- (۷) این اظهارات مراکز علم‌سنجی دنیا است که یک وقتی گفتند که سرعت حرکت پیشرفت ایران در علم، سیزده برابر متوسط دنیا است. این چیز خیلی مهمی است؛ شتاب پیشرفت علمی، سیزده برابر متوسط عالم است. رتبه‌های علمی بالا را انسان ملاحظه میکند در یک بخشهایی که در رتبه‌های تک‌عددی -[مثلاً] در رتبه‌ی چهارم، پنجم، ششم- در بعضی‌ها هم در مجموع، در رتبه‌ی شانزدهم، پانزدهم در دنیا؛ این خیلی مهم است؛ این را نمی‌بینند، این موقّعتها را مشاهده نمیکنند. لذاست که یکی از عرایض ما این است: جوری برنامه‌ریزی بشود که موقّعتهای عظیم علمی دانشگاه‌ها در معرض دید قرار بگیرد، همه ببینند؛ این گشت و گذار علمی برای استاد و برای دانشجو یک برنامه‌ای باشد که اصلاً در بخشهای مختلف، گشت و گذار علمی کنند؛ پیشرفتها علمی را برون ببینند، مشاهده کنند. فرض کنید مثل نمایشگاه کالاهای فلان صنعت که میگذارند، همه میروند می‌بینند آشنا میشوند، پیشرفتها علمی را معرفی کنند تا همه ببینند، و مشخص کنند که از کی این اتفاق افتاده؛ در چه سالهایی، در چه مدّتی این پیشرفتها اتفاق افتاده است تا امید به وجود بیاید. بنده روی مسئله‌ی امید تکیه میکنم. خواهش من این است که برادران عزیز، خواهران عزیز، اساتید معظّم و مکرم، این را در کلاسهای درس، در مواجهه‌ی با دانشجویان حتماً در نظر داشته باشید و کاری کنید تا این جوان امیدوار بشود. دشمن میخواهد یأس ایجاد کند؛ یک جریانی هم متأسّفانه در داخل کمک میکند به دشمن -این هست دیگر، وجود دارد- شما در مقابل این جریان خائن و خبیث پایستید و ایجاد امید کنید. این نکته‌ی اوّل.

نکته‌ی دوّم، ما راجع به «علم نافع» زیاد صحبت کرده‌ایم؛ (۸) در دیدارهای مختلف دانشگاهی، دانشجویی و مانند اینها بحث کرده‌ایم راجع به آن. گفتیم «علم نافع» هم یعنی علمی که مسائل کشور را حل میکند؛ حلّ مسائل کشور، علم نافع است. یعنی با مسائل گوناگونی که در کشور وجود دارد، مواجهه‌ی علمی بشود؛ فقط هم مسئله‌ی ما، مسئله‌ی صنعت نیست. بله، ارتباط صنعت و دانشگاه یک نقطه‌ی خاص و مهمّی بود که ما خیلی [وقت] پیش روی آن تکیه کردیم - که من با رئیس‌جمهور وقت صحبت کردم و این معاونت علمی (۹) اساساً از آن وقت به وجود آمد که بین صنعت و دانشگاه یک ارتباط علمی برقرار بشود- این مربوط به صنعت بود، لکن مخصوص صنعت نیست. در بخشهای مختلف و گوناگون، ما نقاط کور داریم؛ حالا مثلاً در مسائل اقتصادی، بیماری‌های مُزمنی داریم؛ من باب مثال، «پایین بودن بهره‌وری». یکی از مشکلات اقتصادی ما پایین بودن بهره‌وری فعالیتها است؛ خوب این، راه [حلّ] علمی دارد، روی این باید کار علمی بشود، راه حلّ علمی دارد. فرض بفرمایید «اسراف در مصرف انرژی» - که شدّت مصرف انرژی ما چند برابر دنیا است- خسارت بسیار بزرگ و فراوانی است؛ این راه حل دارد. این را البته بنده چند سال پیش در سخنرانی گفته‌ام (۱۰) اما این جور نیست که با گفتن و مثل یک نصیحت، قضیه حل بشود؛ نه، [برای] این باید راه حلّ علمی پیدا بشود و مشخص بشود؛ اینجا و [در مسائلی] از این قبیل بایست از دانشگاه استفاده بشود.

یا فرض بفرمایید که همین مسئله‌ی وابستگی اقتصاد ما به نفت و نفتی بودن اقتصاد، دولتی بودن اقتصاد، مشکلات نظام مالیاتی، مشکلات نظام بودجه‌ریزی، همه‌ی اینها مشکلات است؛ و در همه‌ی اینها ارتباط بین دستگاه‌های دولتی و دانشگاه یک امر لازمی است. [مثلاً] طرحهای شکستن تحریم. ما اولین کشوری در دنیا نیستیم که تحریم میشویم؛ کشورهای زیادی [بوده‌اند]؛ تحریم راه حل دارد؛ طرحهایی وجود دارد؛ در مواجهه‌ی با تحریم راه حلّ علمی وجود دارد؛ باید این راه حل را جُست؛ جستجو کرد، پیدا کرد و به مسئولین ارائه کرد. یا استفاده‌ی مطلوب از تحریم؛ چون تحریم یک رنجی، مشکلاتی دارد اما یک منافع و فوایدی هم دارد که ما را وادار میکند به اینکه به توانایی‌های درونی خودمان مراجعه کنیم. پس بنابراین اینها کارهایی است که میشود انجام داد. یا همین «رونق تولید» که ما امسال به عنوان شعار سال مطرح کردیم، خوب راهکار علمی دارد؛ اینها بایستی در دانشگاه بررسی بشود. برای این کار اراده‌ی محکم لازم است.

باید واقعاً برای ورود اساتید دانشگاه و محققین و علما و فضلاء دانشگاهی در این مسائل، راهکار پیدا بشود؛ یعنی ساز و کاری باید پیدا بشود که چگونه وارد بشوند؛ این هم کار خود دانشگاه است. مثلاً در مورد صنعت یکی از پیشنهادها این است که فرصت مطالعاتی بدهند برای اساتید در یک مرکز صنعتی، که استاد ذی‌ربط برود در این مرکز صنعتی و از نزدیک با مسئله‌ی صنعت آشنا بشود، مشکلات را ببیند. حالا ما ظاهراً چند هفته‌ی قبل بود، (۱۱) صحبت کردیم که دستگاه‌های مختلف، نیازهای علمی خودشان را فهرست کنند؛ خوشیخانه وزارت صنعت فهرست کرد، ارائه کرد، در رسانه‌ی ملّی هم ارائه شد. خیلی خوب، حالا الان وزارت صنعت میگوید من این معضلات را دارم، این اشکالات را دارم، این نیازها را دارم؛ دانشگاه باید وارد بشود؛ شما هم عرضه کنید؛ وزارت علوم با یک مدیریت درست این قضیه را جمع و جور کند و مشخص کند که در قبال این درخواست کمک وزارت صنعت، دانشگاه چه کار میتواند بکند؛ هم برای صنعت مفید است، هم برای دانشگاه مفید است. به هر حال، این علم نافع است که عرض کردیم نیازهای کشور و نقاط کور بخشهای مختلف، چه صنعتی، چه اقتصادی، چه کشاورزی، چه بخشهای گوناگون مدیریتی و امثال اینها، به وسیله‌ی تحقیقات دانشگاهی و مقالات دانشگاهی روشن بشود؛ این کمک [میکند]. این، علم نافع و کاربردی است. خوب این را گفته‌ایم، الان هم عرض میکنیم، تکرار هم میکنیم، روی آن هم اصرار میکنیم، منتها در کنار این بایستی به تحقیقات عمیق و بلندمدت هم توجه کرد. کارهای مهمّی وجود دارد که سود نقد ندارد، دستاورد نزدیک ندارد، اما جادّه و بستر پیشرفت علمی کشور است؛ یعنی بایستی به دانشمندان این فرصت را داد، این اجازه را داد که بلندپروازی کند؛ در مسائل علمی، تحقیقات عمیق و بنیانی برایش مطرح باشد و آنها را دنبال بکند. بنابراین دو جریان وجود دارد، یعنی علم نافع که ما میگوییم، صرفاً دانشی نیست که جنبه‌ی کاربردی نقد دارد بلکه یکی‌اش این است؛ یک جریان هم کارهای مهم و اساسی است.

در همین زمینه، من به مسئله‌ی پرداختن به علوم پایه اشاره میکنم که قبلاً هم یک وقتی، یکی دو بار در صحبت با دانشگاهی‌ها مطرح کرده‌ام. (۱۲) بحث علوم پایه خیلی مهم است منتها چون دستاورد نقدی حاضر و آماده‌ای برایش وجود ندارد، گرایش به آن در بین دانشجویها و کسانی که رشته انتخاب میکنند، کم است. باید ترتیبی داده بشود که گرایش به این دانشهای علوم پایه یک گرایش بهتری، و گرمتری از سوی دانشجویان باشد. و علوم پایه، هم نیاز دارد به سرمایه‌گذاری دولت - چون متأسفانه دولتها هم وقتی مشکل مالی پیدا میکنند، جزو اولین جاهایی که در بودجه حذف میشود، عبارت است از همین بخش علم و فرهنگ و مانند اینها؛ اینها هیچ مشکلی، دردسری ندارد؛ اول بودجه‌ی اینها را [قطع میکنند]؛ آمدند به من گفتند که بودجه‌ی بخشهای علمی را امسال پنجاه درصد کم کرده‌اند؛ خوب یعنی پنجاه درصد از فعالیت علمی کشور بایستی متوقف بشود- دولت باید کمک بکند، هم خود صاحب‌نظران و دانشمندان باید کمک کنند، هم آموزش و پرورش در این زمینه وظیفه دارد؛ هدایت تحصیلی باید انجام بگیرد از طرف آموزش و پرورش؛ جوری این جوان را حرکت بدهند و هدایت تحصیلی بکنند که به سمت علوم پایه و مانند اینها حرکت بکند. این هم یک مسئله است که اینجا من یادداشت کرده‌ام.

ما در علوم پایه باید سرمایه‌گذاری مستمر بکنیم و حرکتمان حرکت پیش‌دستانه باشد؛ یعنی سعی کنیم به استقبال حقایق کشف‌نشده‌ی عالم برویم. حقایق بسیاری در عالم وجود دارد که کشف نشده، کما اینکه صد سال پیش خیلی از حقایقی که امروز

کشف شده، کشف نشده بود؛ در طبیعت وجود داشت اما کشف نشده بود. این جور نیست که فرض کنید که نیروی الکتریسیته تازه به وجود آمده [باشد]؛ از اولی که دنیا به وجود آمد، این بود، [لکن] کسانی همّت کردند، هوشمندی به خرج دادند و این را کشف کردند. ما دنبال حقایق کشف‌نشده‌ی عالم وجود باشیم؛ یکی از کارهای اساسی ما این است. پرداختن به علوم پایه و علوم بنیادی این خصوصیت را دارد که جامعه‌ی علمی را میکشاند به سمت کشف حقایق کشف‌نشده؛ نه اینکه ما هم فقط صرفاً حول و حوش حقایقی که کشف شده است و حرکت‌هایی که دیگران انجام داده‌اند، حرکت بکنیم.

یک نکته‌ی دیگر، مسئله‌ی ارزیابی و رتبه‌بندی دانشگاه‌ها است که این را ما قبلاً هم گفته‌ایم که مخاطب این حرف، دستگاه‌های مدیریتی آموزش عالی هستند؛ یعنی وزارت علوم و وزارت بهداشت و شورای عالی انقلاب فرهنگی و دستگاه‌های گوناگون مدیریتی، مخاطب این کارند. بایستی ما دانشگاه‌هایمان را، هم ارزیابی کنیم -البته ارزیابی‌های بین‌المللی وجود دارد و آن هم به جای خودش ایرادی ندارد لکن خیلی از ارزیابی‌های بین‌المللی دانشگاه‌ها ناظر به شرایط و امکانات و سنت‌های بومی و داخلی ما نیست؛ یک چیزهایی را به عنوان مزیت و امتیاز دخیل میکنند که ممکن است ما آنها را به عنوان امتیاز قبول نداشته باشیم - خودمان در داخل بایستی رده‌بندی کنیم، امتیازدهی کنیم، مزیت‌های دانشگاه‌ها را مشخص بکنیم -البته یکی از این مزیت‌ها جنبه‌های فرهنگی است که بعد یک اشاره‌ی خواهم کرد- [تا رتبه‌شان] معلوم بشود و این، رقابت مثبت بین دانشگاه‌ها را شکل بدهد- [هم رتبه‌بندی و] هم ارزیابی کنیم؛ مثلاً فرض بفرمایید بگوییم کار این دانشگاه رتبه‌ی بالایی داشته، پیشرفت خوبی داشته، به دانشگاه‌ها نمره بدهیم؛ این از جمله کارهایی است که در مدیریت‌های آموزش عالی به نظر من لازم است انجام بگیرد و در ارتقاء کیفیت و شکل‌گیری فضای رقابتی هم اثر میگذارد.

یک مطلب دیگری که من اینجا یادداشت کرده‌ام عرض بکنم، این است که اساتید انقلابی و متدین خوشبختانه در دانشگاه زیادند؛ جمع عظیمی از اساتید دانشگاه ما اساتیدی هستند که به انقلاب از بُن دندان عقیده دارند، معتقدند، پایبندند و متدینند و مایلند پیشرفت‌های انقلابی در همه‌ی زمینه‌ها همچنان ادامه و استمرار پیدا کند. به نظر من این مجموعه‌ی اساتید انقلابی بایستی همّت کنند تا در داخل دانشگاه جریان‌سازی کنند؛ این به نظرم خیلی مهم است. محیط دانشگاه به خاطر برخی از مشکلات فرهنگی، آن محیطی که مورد انتظار در نظام اسلامی و جمهوری اسلامی است، نیست؛ یعنی زیاد اتفاق می‌افتد که یک جوانی با زمینه‌های مذهبی، با زمینه‌های انقلابی، با زمینه‌های فکری خوب وارد دانشگاه بشود و خالی از این زمینه‌ها یا بسیاری از این زمینه‌ها از دانشگاه خارج بشود؛ این وجود دارد، این میراث گذشته‌ی دانشگاه‌های ما است. همان طور که عرض کردم، مهندسی دانشگاه در کشور ما از اوّل برای این نبوده است که تدین و وابستگی به استقلال فکری و فرهنگی در آن شکل بگیرد [بلکه] عکس این بوده؛ این تا حدود زیادی در دانشگاه‌های ما هنوز سریان و جریان دارد. شما اساتید محترم متدین و انقلابی باید کاری کنید که جریان انقلابی و فکری و اسلامی در دانشگاه، جریان رایج بشود.

این [کار] احتیاج به این هم ندارد که حتماً با امکانات امنیتی و انتظامی و غیره [باشد]؛ نخیر، این کار، کار انسانی، کار اسلامی، کار فرهنگی است؛ جریان‌سازی است. خوب، طبعاً دانشجویها سؤالاتی دارند؛ جوانند، این سؤالات را اساتید انقلابی پاسخ بدهند. هفته‌ی قبل (۱۲) جمعی از دانشجویها اینجا بودند، تعدادی صحبت کردند، خوب همینها سؤالات دانشجویها است، سؤالات دانشجویها از این قبیل است؛ این سؤالات باید پاسخ داده بشود. بهترین جا برای پاسخ دادن، محیط دانشگاه است، کلاس درس است؛ بهترین کس، شایسته‌ترین کس برای پاسخ‌گویی شما هستید؛ استاد دانشگاه. ذهن جوان را روشن کنید در زمینه‌های مختلف.

در دانشگاه، هم بایستی با ارتجاع مقابله کرد، هم با التقاط باید مبارزه کرد، هم با انحراف باید مقابله کرد؛ امروز در دانشگاه‌ها حتی جریان چپ مارکسیستی هم به خودش جرئت میدهد [حرف بزند]؛ مارکسیستی که مظاهر اصلی و عمده‌ی آن، در زیر فشار واقعیت‌ها و حقایق عالم وجود فرو ریخت، از بین رفت -شوروی را آمریکا از بین نبرد، شوروی را ناحق بودن پایه‌های تفکر مارکسیستی از بین برد؛ البته آمریکایی‌ها استفاده‌اش را بردند، غربی‌ها استفاده‌اش را کردند- با وجود اینکه این بنیانهای غلط فرو ریخته، از بین رفته، باز حالا هنوز یک عده‌ای شعارهای چپ مارکسیستی را میخوانند زنده کنند؛ البته خیلی هم جدی نیستند. به نظر من این کسانی که این روزها راجع به مسائل گوناگون چپ و چپ مارکسیستی و مانند اینها حرف میزنند، کسانی هستند که [وقتی] انسان در عمق حرف‌هایشان دقت میکند، میبیند همان چپ آمریکایی [هستند]؛ مثل همان افرادی که ظاهر شعارهایشان چپ بود، باطنشان آمریکایی و غربی بود، اینها هم همین جور هستند. خوب این هم یک [نکته].

نکته‌ی دیگری که بنده می‌خواهم عرض بکنم، [درباره‌ی] فضای فرهنگی دانشگاه‌ها است؛ رشد فعالیت‌های فرهنگی. این لازم است و به این پرداخته نمیشود. در بعضی از دانشگاه‌ها مطلقاً فعالیت فرهنگی وجود ندارد؛ این هم یکی از نقایص است. برادران عزیز، خواهران عزیز! هدف دانشگاه فقط این نیست که معلومات به جوان بدهند؛ هدف، ساختن جوان است؛ ساختن یک انسان والا است با سلاح علم؛ بنابراین اخلاق هم، تربیت هم، سبک زندگی هم از جمله‌ی عناصری است که همراه با علم در دانشگاه باید به جوان داده بشود تا جوان ساخته بشود؛ این چیزی است که ضروری است. دانشگاه‌ها را از لحاظ فرهنگی باید غنی کرد، باید غنای فرهنگی لازم را به دانشگاه [داد]. البته در بعضی دانشگاه‌ها تا حدودی هست، در بعضی هم نیست، در بعضی هم عکسش هست! جوان باید مؤمن، انقلابی، پاکدامن، دلبسته به کشور، مستعد برای خدمت به مردم تربیت بشود؛ والا اگر جوانی باشد که احساس مسئولیت نکند، هیچ به سرنوشت کشور اصلاً اعتنائی نداشته باشد، با معلومات بالا هم از دانشگاه بیرون بیاید، چه فایده‌ای برای کشور خواهد داشت؟ این

هم یک نکته. البته چند نکته‌ی دیگر در مورد مسائل دانشگاه هست که دیگر مجال نیست و عرض نمیکنم؛ راجع به دانشگاه علمی - کاربردی، راجع به دانشگاه‌های تربیت معلّم میخواستیم مطالبی را عرض بکنم؛ راجع به تحقیقات میان‌رشته‌ای که یکی از برادرها گفتند «استفاده‌ی از این علوم و همکاری این علوم مختلف با یکدیگر میتواند فوایدی داشته باشد»، کاملاً درست است. امروز در دنیا بر همین اساس، تحقیقات میان‌رشته‌ای رونق پیدا کرده و دانشمندان از علوم مختلف، کنار هم می‌نشینند و کارهای بزرگی را انجام میدهند.

اما آن مطلبی که راجع به مسائل سیاست و سیاستهای بین‌المللی می‌خواهم عرض بکنم یک جمله است؛ [صحبتیم] خیلی در این زمینه، طولانی نیست. حرفی درباره‌ی جنجال «مذاکره» که حالا مطرح شده و مدام خارجی‌ها میگویند، روزنامه‌ها مینویسند، تبلیغاتچی‌ها میگویند مذاکره. مقصود از مذاکره‌ای که میگویند «ایران باید به میز مذاکره برگردد»، مطلق مذاکره نیست، مذاکره‌ی با خصوص دولت آمریکا است؛ وّالّا ما که با کشورهای دیگر - با کشورهای اروپایی، با دیگر کشورها - مشغول مذاکره هستیم، ما که مشکلی نداریم. بله، با اروپایی‌ها و دیگران هم که مذاکره میکنیم، مسئله، تعیین موضوع مذاکره است؛ روی هر موضوعی مذاکره نمیکنیم؛ روی مسائل ناموسی انقلاب - به این تعبیر بگویم، روشن‌تر است - مذاکره نمیکنیم. در مورد توانایی‌های نظامی‌مان با کسی مذاکره نمیکنیم؛ چون معنای مذاکره، معامله است؛ یعنی فرض کنید [میگویند] «شما کوتاه بیا و این امکان دفاعی را که تو را مقتدر میکند و توانای بر دفاع میکند، از دست بده»؛ خوب اینکه قابل مذاکره نیست. مذاکره‌ی در این جور مسائل دو کلمه است و تمام میشود: «او میگوید ما این را میخواهیم، ما میگوییم نه، ما قبول نداریم»؛ مذاکره‌ای پیش نمیرود، معامله‌ای انجام نمیگیرد. مثل همان قضیه‌ی خواستگاری که گفت مسئله‌ی ازدواج شما به کجا رسید؟ گفت همه چیزش تمام شده، فقط سر دو کلمه مانده؛ آن دو کلمه هم این است که ما میگوییم ما دختر شما را میخواهیم، آنها میگویند غلط میکنید! (۱۴) سر مسائل اساسی، سر دو کلمه، مسئله تمام میشود؛ یعنی قابل مذاکره نیست - مذاکره‌ی به معنای معامله؛ چون مذاکره به معنای معامله است؛ صرف نشستن و گفتگو و گدّه کردن نیست - پس منظورشان از مذاکره که مدام میگویند ایران سر میز مذاکره بیاید - که هم خود آمریکایی‌ها میگویند، هم دیگران میگویند - یعنی مذاکره‌ی با آمریکا. خوب، در مورد مذاکره‌ی با آمریکا مکرّر گفته‌ایم (۱۵) ما مذاکره نمیکنیم. علت چیست؟ علتش را هم من بارها در بحثهای مختلف گفته‌ام: اول اینکه مذاکره‌ی با آمریکا برای ما هیچ فایده‌ای ندارد، دوم اینکه ضرر دارد؛ یعنی چیزی است بی‌فایده و با ضرر. اینها را تشریح کرده‌ایم.

من حالا اینجا یک اشاره‌ی دیگری میکنم. آمریکایی‌ها وقتی که یک چیزی را هدف میگیرند با یک دولتی، با یک کشوری و بنا میگذارند که با زور و با فشار آن مقصود خودشان را به دست بیاورند، فشار در اینجا برایشان راهبرد است، اما در کنار این راهبرد، یک تاکتیک هم دارند و آن عبارت است از مذاکره. فشار می‌آورند تا طرف را خسته کنند؛ وقتی احساس کردند طرف خسته شده و حالا ممکن است قبول بکند، میگویند خیلی خوب، بیایید مذاکره کنیم؛ این مذاکره مکمل آن فشار است. این مذاکره برای این است که محصول آن فشارها چیده بشود، نقد بشود، تثبیت بشود؛ مذاکره برای این است. فشار بیاورند، حالا که طرف خسته شد، احساس کرد که دیگر واقعاً چاره‌ای ندارد، میگویند خیلی خوب، حالا بیاییم مذاکره کنیم؛ می‌نشینند پشت میز مذاکره، همان چیزی را که در واقع زمینه‌اش را با فشار فراهم کردند تثبیت میکنند، نقد میکنند؛ مذاکره‌ی با آمریکا این است. راهبرد او مذاکره نیست؛ راهبرد او فشار است، و مذاکره یک ذیلی است در مقابل فشار.

راه مقابله‌ی با این ترفند هم جز یک چیز بیشتر نیست و آن، اینکه طرف مقابل هم اگر ابزار فشاری در اختیار دارد، از آن ابزار فشار استفاده کند؛ راه فقط این است. اگر چنانچه از آن ابزار فشار استفاده کرد، آن وقت طرف را میتواند متوقف کند؛ یا فشار را کم کند یا فشار را متوقف کند؛ اگر از ابزار خودش استفاده کرد. اما اگر چنانچه نه، فریب دعوت به مذاکره را خورد، با خودش گفت «خب حالا که این میگوید بیاییم مذاکره کنیم، پس احتیاجی به این نیست که من از اهرمهای فشاری که در اختیارم هست استفاده کنم، چه لزومی دارد؟ مذاکره میکنیم»؛ اگر این فریب را خورد، لغزیده و رفته؛ یعنی باخت قطعی است.

تنها راه این است. ما در مقابل فشارهای آمریکا ابزارهای فشار داریم؛ این ابزارهای فشار هم بر خلاف آنچه آنها میخواهند تبلیغ کنند و بگویند، ابزارهای نظامی و مانند این چیزها نیست؛ حالا یک وقتی اگر لازم باشد، آنها هم هست، لکن آنچه مورد نظر ما است، این مسائل نیست، [این] ابزارها نیست؛ نه، ما ابزار فشار داریم. همین کاری که اخیراً شورای عالی امنیت ملی انجام داد و ابلاغ شد، یکی از ابزارهای فشار است. گفتند حالا که شما این جور دارید رفتار میکنید و اروپایی‌ها هم به وظایف خودشان عمل نمیکنند، ما هم به تعهدات خودمان در این بخش و در این محدوده عمل نمیکنیم؛ یعنی ما هم خودمان را از تعهد خارج میکنیم. کار درستی بود؛ حرکت، حرکت درستی بود. یکی از راه‌ها همین است. وقتی شما از ابزار فشار خودتان و از اهرم فشار خودتان استفاده نکردید، او خیالش راحت است، هیچ عجله‌ای هم ندارد، همین طور دائم کیش میدهد کار را، چون میدانند که برای او ضرری پیش نخواهد آمد؛ اما اگر چنانچه شما توانستید از ابزار فشار استفاده کنید، آن وقت او به فکر می‌افتد که یک کاری بکند.

توانایی‌های علمی و فتاوری ما در زمینه‌ی مسائل هسته‌ای بالا است؛ دنبال سلاح هسته‌ای هم مطلقاً نیستیم؛ نه برای خاطر آمریکا، نه برای خاطر تحریم، برای خاطر مینا. مبنای فکری ما سلاحهای کشتار جمعی از قبیل اتمی و شیمیایی و مانند اینها را مجاز نمیکنند، اینها شرعاً حرام است. بعضی هم به ما گفتند شما بگویید که تولید بکنند، [اما] مصرف نکنند؛ نه، این هم یک کار غلطی است؛ برای خاطر اینکه اگر تولید کردیم، یعنی خرج و هزینه‌ی فراوانی را متحمل شده‌ایم، در حالی که هیچ استفاده‌ای از آن نمیبریم و طرف مقابل وقتی میدانند که ما بنا نیست از آن استفاده بکنیم، این مثل نداشتن است، هیچ فرقی نمیکنند. بنابراین تولید در حالی که بنا بر

استفاده نداریم، مطلقاً چیز منطقی و عقلایی محسوب نمیشود؛ بنابراین ما از لحاظ مبنائی مخالفیم با این قضیه؛ مبنای فقهی ما و دینی و شرعی ما این است؛ دنبال سلاح نیستیم، اما به غنی‌سازی هسته‌های نیازمندیم. امروز ممکن است بالفعل خیلی این نیاز محسوس نباشد، اما ده سال دیگر قطعاً محسوس خواهد بود. اگر ما امروز خودمان را آماده نکنیم و توانایی‌های کشور را در این زمینه بالا نبریم، ده سال دیگر باید از صفر شروع کنیم؛ این منطق ما است. بنابراین ما میتوانیم از این توانایی‌ها استفاده کنیم، این توانایی‌ها را تقویت کنیم؛ اینها جزو اهرمهای فشار ما است، طرف را متوقف میکند. بنابراین این حرف که حالا مذاکره [کنیم، صحیح نیست].

حالا خوشبختانه همه‌ی مسئولین کشور متفقند بر این معنا، یعنی مسئولین اجرائی، مسئولین دیپلماسی، مسئولین اجرائی سیاسی کشور همه متفقند که مطلقاً مذاکره‌ی با آمریکایی‌ها توصیه نمیشود؛ نه فقط در این دولت بخصوص [آمریکا]؛ نه، رفتار دولت قبلی آمریکا - دولت اوباما - هم با رفتار این دولت تفاوت جوهری و اصلی نداشت، ظواهرش فرق میکرد، [اما] باطنش یکی بود. بنابراین همه امروز متفق بر این معنا هستند. این را توجه داشته باشند که ما بلاشک فریب ترفند آمریکایی‌ها را در این زمینه نخواهیم خورد. فعلاً مصوبه‌ی شورای عالی [امنیت ملی] این است، و بعد هر چیزی که مقتضی باشد؛ یعنی همیشه توقف در این حد معنا ندارد، بلکه فعلاً این است؛ اگر چنانچه لازم شد، مقتضی شد، در برهه‌ی بعدی از اهرمهای فشار دیگری هم میشود استفاده کرد.

مسئله‌ی روز قدس هم امسال از هر سال مهم‌تر است. البته مسئله‌ی فلسطین یک مسئله‌ی اساسی است و مخصوص دولتها و کشورهای اسلامی هم نیست؛ مسئله‌ی فلسطین یک مسئله‌ی انسانی است؛ وجدانهای انسانی وادار به واکنش میشوند در مقابل آنچه بر سر ملت فلسطین آمد، صرفاً مسئله‌ی اسلامی نیست؛ البته برای مسلمانها این کار اهمیّت بیشتری دارد، اولویّت بیشتری دارد، و غیر از جنبه‌ی انسانی، جنبه‌های شرعی و دینی هم دارد ولی مسئله، مسئله‌ی انسانی است. بنابراین راه‌پیمایی روز قدس که دفاع از فلسطین است به وسیله‌ی حضور مردمی، همیشه مهم است، امسال مهم‌تر است به خاطر این کارهای خیانت‌باری که بعضی از دنباله‌های آمریکا دارند در منطقه انجام میدهند برای جا انداختن «معامله‌ی قرن» (۱۶) که البته جا نخواهد افتاد و هرگز تحقق هم پیدا نخواهد کرد؛ و آمریکا و دنباله‌هایش حتماً در این قضیه هم شکست خواهند خورد. فرقشان با گذشته‌ها این است که حالا صریحاً میگویند که میخواهیم مسئله‌ی فلسطین را کأن لم یکن کنیم و حذف کنیم از مسائل مطرح دنیا، که البته چنین کاری را نخواهند توانست و ناکام خواهند ماند.

پروردگارا! به محمد و آل محمد آنچه را گفتیم، آنچه را نیت داریم، آنچه را انجام میدهیم، همه را برای خودت و در راه خودت قرار بده. پروردگارا! روزبه‌روز دانشگاه‌های ما را به دانشگاه تراز اسلامی نزدیک‌تر بفرما؛ استادان، مدیران، دانشجویان و همه‌ی اعضای دانشگاهی را مشمول لطف و رحمت خودت قرار بده.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

- ۱) در ابتدای این دیدار، تعدادی از حضاران به بیان دیدگاه‌ها و نظرات خود پرداختند.
- ۲) هدف از این پروژه، انجام تحقیقات در موضوعات اقتصادی و فنی مرتبط با توسعه‌ی درازمدت و پایدار و مطالعه و ارزیابی پیامدهای احتمالی آنها در حوزه‌ی جهانی عنوان شده است.
- ۳) از جمله، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور و نمایندگان تشکلهای دانشجویی (۱۳۹۶/۳/۱۷)
- ۴) بیانات در جمع دانشجویان دانشگاه تهران (۱۳۷۷/۲/۲۲)
- ۵) غلامحسین ساعدی
- ۶) حیل، فریب
- ۷) از جمله، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و استعدادهای برتر علمی کشور و رؤسای شرکتهای دانش‌بنیان (۱۳۹۵/۷/۲۸)
- ۸) از جمله، بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌های کشور (۱۳۹۰/۶/۲)
- ۹) معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهور که در دولت نهم تشکیل گردید.
- ۱۰) از جمله، بیانات در جمع زائران و مجاوران حرم رضوی در مشهد مقدس (۱۳۹۰/۱/۱)
- ۱۱) بیانات در دیدار کارگزاران و مسئولان نظام (۱۳۹۸/۲/۲۴)
- ۱۲) از جمله، بیانات در دیدار جمعی از استادان، محققان و پژوهشگران دانشگاه‌ها (۱۳۹۷/۳/۲۰)
- ۱۳) دیدار دانشجویان و نمایندگان تشکلهای دانشجویی (۱۳۹۸/۳/۱)
- ۱۴) خنده‌ی معظّمّه و حضار
- ۱۵) از جمله، بیانات در دیدار کارگزاران و مسئولان نظام (۱۳۹۸/۲/۲۴)
- ۱۶) طرحی از سوی ایالات متّحده‌ی آمریکا در راستای روند صلح بین فلسطین و اسرائیل؛ به‌گونه‌ای که در مقابل واگذاری امتیازات فراوان به اسرائیل، با تشکیل یک کشور مستقل فلسطینی، شامل نیمی از کرانه‌ی باختری، تمام نوار غزه و چند محله از بیت‌المقدس شرقی موافقت میشود.